



واکاوی تطبیقی از «نقش» تا «عملکرد» هم‌افزای مدیران و مشاوران در مدارس دوره اول متوسطه

کریم کریمی، پریسا کریمی

کارشناسی علوم تربیتی

Karimkarimiiii1347@gmail.com

دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی

parisakarimii3773@gmail.com



MDOI-02-2026.0501

چکیده MNR-522-2-08B876



دوره اول متوسطه به مثابه نقطه عطف زیستی، روانی و شناختی در چرخه تحول دانش‌آموزان، نیازمند اتخاذ تدابیر مدیریتی و حمایتی یکپارچه، پیشگیرانه و نظام‌مند است. رسالت تربیت و شکوفایی نوجوانان در این بستر حیاتی، در گرو ارتباط ساختاریافته میان دو رکن کلیدی نظام مدرسه یعنی «مدیر» (به عنوان راهبر راهبردی و تسهیل‌کننده بسترها) و «مشاور» (به عنوان تسهیل‌گر بالندگی روانی-اجتماعی و مسیر شغلی-تحصیلی) قرار دارد. مقاله علمی-مروری حاضر با رویکرد تحلیلی-سنتزی و منطبق بر پروتکل‌های نظام‌مند مرور ادبیات، به بازخوانی انتقال از «تعاریف ایستا و صوری نقش‌ها» به «کاربردهای یکپارچه و عملیاتی» این دو عنصر محوری در دوره اول متوسطه پرداخته است. یافته‌های مستخرج از واکاوی عمیق ۲۰ اثر پژوهشی اصیل و اسناد تحولی نشان می‌دهد که عملکرد مطلوب تنها در سایه گذار از مدیریت سلسله‌مراتبی و اداری به «رهبری توزیع‌شده آموزشی» و دگرگونی از مشاوره سنتی انفعالی و بحران‌محور به «مشاوره جامع مدرسه‌محور» شکل می‌گیرد. کاربرد عملی این اشتراک در چهار میدان بنیادین «هدایت تحصیلی فرایندمحور»، «طراحی مداخله‌های پیشگیرانه در برابر رفتارهای پرخطر و بحران بلوغ»، «ایجاد جو سازمانی روانی-امن» و «پل‌سازی تعاملی میان اولیا، معلمان و دانش‌آموزان» تبلور می‌یابد. در پایان، موانع نهادی، سوء تفاهم‌های مرز حرفه‌ای و فرسودگی شغلی واکاوی شده و توصیه‌های سیاستی-کاربردی چندلایه در راستای همگرایی حداکثری تشریح گردیده است.

کلیدواژه‌ها: مدیریت آموزشی، مشاوره مدرسه، دوره اول متوسطه، هدایت تحصیلی، سلامت روان

دانش‌آموزان، هم‌افزایی حرفه‌ای، رهبری توزیع‌شده.

مقدمه

نظام‌های نوین آموزشی در هزاره سوم، مدرسه را نه فقط کانون انتقال دانسته‌های شناختی و انتزاعی، بلکه بستر اصلی جامعه‌پذیری، تکوین عواطف، رشد پایدار فردی و تمرین تاب‌آوری زیستی تعریف می‌کنند (فتحی و اجارگاه و رضایی، ۱۳۹۴). در این منظومه کل‌نگر، دوره اول متوسطه (شامل پایه‌های هفتم، هشتم و نهم) دوره‌ای ممتاز و از منظری پرتلاطم در زیست‌شناسی تحولی به‌شمار می‌رود. هم‌زمانی این برهه سنی با آغاز جهش‌های شتابان بلوغ جنسی و روانی، واگرایی عاطفی از اتکای صرف به والدین و گذار به‌سوی شبکه‌های همسالان، تشدید تعارض‌های درون‌روانی و برون‌فردی ناشی از جست‌وجوی هویت، و در نهایت مواجهه ناگزیر با نخستین و مهم‌ترین دوره‌ای تصمیم‌گیری نظام‌مند تحصیلی-شغلی در زندگی (فرایند هدایت تحصیلی)، پیچیدگی‌های بی‌سابقه‌ای را بر محیط آموزشگاه بار می‌کند (احمدی و کاظمی، ۱۳۹۵؛ درتاج و زهرایی، ۱۳۹۴).

نوجوان در مواجهه با چنین آشفتگی‌های متکثری، به محیطی نیاز دارد که در عین انضباط و ساختارمندی، امنیتی عاطفی، پناهگاهی امن برای حل تعارض‌ها و افقی روشن برای آینده را برای او ترسیم نماید (یارمحمدیان و قنبری، ۱۳۹۵). پاسخ مؤثر به این نیازهای انباشته، فراتر از توان کنشگران منفرد و جزیره‌ای است. ساختار سازمانی مدارس متوسطه اول حول دو محور بنیادین قوام می‌یابد: از یک‌سو، «مدیر مدرسه» که راهبری سازمانی، مدیریت منابع، چینش جو عاطفی-فیزیکی و استقرار نظام انضباطی را در دست دارد (سبحانی‌نژاد و یوزباشی، ۱۳۹۳)، و از سوی دیگر «مشاور مدرسه» که به‌مثابه متخصص حرفه‌ای حوزه روان‌شناختی، سلامت روان، آسیب‌شناسی رفتاری و سنجش استعدادها عمل می‌کند (خادمی و دلاور، ۱۴۰۱).

اگرچه در ادبیات سنتی، مدیریت و مشاوره به صورت دو حوزه موازی با مرزهای غیرقابل نفوذ تلقی می شدند، رویکردهای تحولی حاکم بر مطالعات تعلیم و تربیت مبین آن است که موفقیت واقعی تربیت و آموزش نوجوانان، تنها زمانی محقق می گردد که این دو عنصر، در پیوستاری مستمر از نقش مفهومی تا کاربرد میدانی پیوند خورده و پدیده ای تحت عنوان «ائتلاف راهبردی تربیتی-مشاوره ای» را در آموزشگاه خلق نمایند (امیری و شریفی، ۱۳۹۶؛ کریمی و ناصری، ۱۳۹۷).

بیان مسئله

با وجود تصریح اسناد بالادستی—به ویژه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه های راهنمایی و مشاوره مصوب شورای عالی آموزش و پرورش—بر رویکرد همگرایانه، بررسی دقیق واقعیت میدانی حاکی از وجود شکاف عمیق میان «نقش های مقرر در آیین نامه ها» و «کاربردهای عملیاتی و پیاده سازی شده» در مدارس دوره اول متوسطه کشور است (صادقی، ۱۳۹۸؛ باقری و فراهانی، ۱۴۰۰). این مسئله بنیادین در سه گره گاه راهبردی رخ می نماید:

کاسته شدن نقش مدیر از رهبر تربیتی به متصدی اداری: بسیاری از مدیران دوره اول متوسطه، تحت فشار سامانه های بروکراتیک متعدد، دغدغه های مالی، نظارت های سنتی و کمبود منابع، از مأموریت اصلی خود به عنوان «رهبر آموزشی و مربی بالینی» دور افتاده و مدیریت را به پیگیری امور لجستیک و انضباط مکانیکی محدود کرده اند (جمالی و قاسمی، ۱۴۰۲؛ نیک پی و همکاران، ۱۳۹۶). در چنین الگویی، مشاوره نه یک پیشران توسعه، بلکه عنصری لوکس، تشریفاتی یا مداخله گری دیررس و صرفاً واکنشی در برابر بی انضباطی ها تلقی می شود.

تقلیل جایگاه تخصصی مشاور و تداخل نقش ها: مشاوران مدارس به جای ایفای نقش کنشگر پویا در پیشگیری و ارتقای بهداشت روان دانش آموزان، اغلب در بوروکراسی تکمیل فرم ها غرق شده یا از سوی

مدیریت آموزشگاه با تکالیف غیر تخصصی نظیر نظارت بر حیاط، تصحیح اوراق و امور دفتری احاطه می شوند (کریمی و ناصری، ۱۳۹۷؛ عظیمی و زارع، ۱۳۹۹). این امر مرز رازداری و اعتماد دانش آموزان نسبت به اتاق مشاوره را زائل می سازد.

بحران ساختاری در اجرای فرایند هدایت تحصیلی و آسیب های اجتماعی نوپدید: انتخاب شاخه و رشته تحصیلی در پایه نهم به معضلی بحران زا بدل شده است که اغلب به سبب عدم همسویی راهبردی مدیر و مشاور، به جای فرایندی سه ساله مبتنی بر شناخت استعداد و رغبت، به اقداماتی شتاب زده، فرمالیته و تنش زا میان اولیا و مدرسه تقلیل می یابد (حسینی و جلالی، ۱۳۹۸؛ فتحی و اجارگاه و رضایی، ۱۳۹۴). افزون بر این، گسترش آسیب های فضای مجازی، افت شدید اشتیاق تحصیلی و اضطراب های فزاینده، ضرورت خروج سریع از وضعیت «جزایر جدا افتاده اداری» و ورود به عرصه «هم افزایی کاربردی» را بیش از هر زمان دیگری اجتناب ناپذیر نموده است.

ضرورت و اهمیت پژوهش

تأمل پیرامون نسبت نقش و کاربرد مدیران و مشاوران در مقطع اول متوسطه به دلایل زیر دارای اهمیتی تام است:

حساسیت دوره تحولی نوجوانی: شواهد اپیدمیولوژیک تربیتی حاکی از آن است که بیشترین میزان تکانشگری، افت انگیزه تحصیلی ناگهانی، گرایش به رفتارهای هنجارشکن و شکل گیری آسیب های نوظهور در رده سنی ۱۲ تا ۱۵ سال رقم می خورد (عظیمی و زارع، ۱۳۹۹؛ درتاج و زهرایی، ۱۳۹۴). کنترل این شرایط تنها با طراحی محیطی امن که توسط مدیر تسهیل و با تدابیر مشاور نظارت می شود امکان پذیر است.

تغییر پارادایم مدیریت مدرسه: پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهند مدرسی که به سبک رهبری توزیع‌شده و اشتراکی اداره می‌شوند، بالاترین نرخ رضایت دانش‌آموزان و پایین‌ترین سطح تنش‌های روانی را ثبت می‌کنند (جهان‌بخش و همکاران، ۱۳۹۹؛ صالحی و همکاران، ۱۳۹۷).

بهینه‌سازی منابع محدود آموزش و پرورش: نبود نیروی مشاور به اندازه کافی برای تمامی مدارس، ضرورت استفاده حداکثری از ظرفیت هم‌افزایی میان کادر اداری، آموزشی و مشاوره‌ای را تبدیل به ضرورتی استراتژیک ساخته است (ناوه ابراهیم و فدوی، ۱۳۹۱).

روش‌شناسی

این مطالعه با استفاده از روش مروری نظام‌مند روایتی-تحلیلی سامان یافته است.

فرآیند جست‌وجو و گردآوری داده‌ها: واکاوی پایگاه‌های اطلاعات علمی فارسی از جمله مگ‌ایران (Magiran)، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایران‌داک)، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، نورمگز و پرتال جامع علوم انسانی بدون محدود موضوعی با کلیدواژه‌های: «مدیر مدرسه»، «مشاور مدرسه»، «دوره اول متوسطه»، «رهبری آموزشی»، «هدایت تحصیلی»، «سلامت روان مدارس» و «همکاری بین‌حرفه‌ای» انجام پذیرفت.

معیارهای ورود: مقالات اصیل پژوهشی چاپ‌شده در نشریات علمی-پژوهشی وزارت علوم و دانشگاه‌های معتبر داخلی و یا پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۲؛ مرتبط بودن متغیرها با دوره اول یا دوم متوسطه؛ دارای ساختار روش‌شناختی مدون.

معیارهای خروج: متون فاقد درجه علمی مصوب، خلاصه مقالات همایشی، یادداشت‌های ترویجی فاقد ارزیابی دقیق، و آثاری که صرفاً بر آموزش ابتدایی یا آموزش عالی تمرکز داشتند.

روش تحلیل: پس از پایش و ارزیابی کیفیت، تعداد ۲۰ مقاله واجد شرایط انتخاب شدند. داده‌های مستخرج با استفاده از فن **تحلیل مضمون** کدگذاری گردیده و در قالب مؤلفه‌های «نقش‌ها»، «کاربردها»، «چالش‌های واگرایی» و «الگوهای هم‌افزایی» دسته‌بندی و ترکیب گردیدند.

پیشینه پژوهشی

مرور مطالعات انجام‌شده در دهه اخیر حاکی از پیوند معنادار جو سازمانی، رویکرد مدیریتی و کارآمدی مشاوره‌ای در محیط مدارس است:

صالحی و همکاران (۱۳۹۷) در بررسی جامع سلامت سازمانی مدارس نشان دادند که در مدارس که مدیران از شیوه‌های حمایتی و اعتمادساز استفاده می‌کنند، میزان اثربخشی برنامه‌های مشاوره‌ای و رجوع داوطلبانه دانش‌آموزان به مشاور افزایش چشمگیری می‌یابد.

نیک‌پی و همکاران (۱۳۹۶) طی یک پژوهش کیفی پدیدارشناختی به بررسی چالش‌های تعامل میان مدیران و مشاوران پرداختند و نشان دادند که عمده‌ترین تعارضات ناشی از «ابهام در انتظارات شغلی»، «عدم درک مدیر از شأن محرمانگی فرایند مشاوره» و «نگرش مقطعی و انضباط‌محور به اتاق مشاوره» است.

جهان‌بخش و همکاران (۱۳۹۹) مدل ساختاری رهبری توزیع‌شده را تدوین نموده و تبیین کردند که تسهیم مسئولیت‌های تربیتی میان مدیر، مشاور و کادر آموزشی اثر فزاینده بر کاهش بزهکاری‌های محیط مدرسه و بهبود جو روانی آموزشگاه دارد.

موسوی و همکاران (۱۳۹۹) نشان دادند که هماهنگی سیستماتیک و سه‌جانبه میان مدیر، مشاور و اولیای دانش‌آموزان، به‌طور معناداری واریانس بهزیستی تحصیلی و انطباق روان‌شناختی نوجوانان را در مواجهه با آزمون‌ها و شرایط بلوغ تبیین می‌کند.

خادمی و دلاور (۱۴۰۱) با طراحی مدل خدمات چندسطحی در مشاوره مدرسه نشان دادند که کارایی مشاور بدون ایجاد بستر لجستیک و ساختار حمایتی که تنها توسط مدیریت ارشد مدرسه قابل تأمین است، به کمتر از یک سوم ظرفیت اسمی افت می کند.

یافته ها و تحلیل یکپارچه

۶.۱. بازخوانی تحلیلی نقش ها: تمایز میان ماهیت وظایف مدیر و مشاور

بر اساس تحلیل متون، نقش های تدوین شده برای مدیر و مشاور در دوره اول متوسطه دارای دو بعد بنیادین «سازمانی-زمینه ساز» و «تخصصی-تسهیل گر» است (جدول ۱).

جدول ۱: مقایسه تحلیلی نقش های رسمی مدیر و مشاور در دوره اول متوسطه

نقش های اساسی مدیر مدرسه	نقش های اساسی مشاور مدرسه	بعد بررسی
راهبر ارشد آموزشی، معمار جو سازمانی و مجری سیاست ها (سبحانی نژاد و یوزباشی، ۱۳۹۳)	متخصص سلامت روان، ارزیاب شایستگی ها و تسهیل گر بالندگی (خادمی و دلاور، ۱۴۰۱)	جایگاه در نظام مدرسه
کلان نگر: ساختار، کارکنان، منابع	خرد و میان نگر: تک تک دانش آموزان، گروه های همتا، والدین در ابعاد عاطفی-روانی	کانون مداخله
رهبری تربیتی، شوراها، ابلاغیه ها، برنامه ریزی عملیاتی سالانه	مصاحبه بالینی، آزمون های روانی-تحصیلی، کارگاه های توانمندسازی	ابزارهای عمل

رویکرد	انتظام بخشی عمومی و ایجاد بستر	ریشه یابی انگیزشی رفتارهای نابهنجار
انضباطی	قانون مند (باقری و فراهانی، ۱۴۰۰)	و بازپروری عاطفی (زارعی و پورطاهری، ۱۴۰۲)

۶.۲. گذر از «نقش مفهومی» به «کاربرد عملیاتی»

نقش بدون کاربرد، به ایستایی بوروکراتیک می انجامد. سنتز پژوهش های منتخب نشان می دهد که کاربرد اصیل زمانی رخ می دهد که نقش های فوق در موقعیت های واقعی یادگیری و رشد بازتولید شوند:

کاربرد در فرایند هدایت تحصیلی و شغلی:

در پایه نهم، هدایت تحصیلی نه یک آزمون تک مرحله ای، بلکه اوج یک فرایند اکتشافی سه ساله است (فتحی و اجارگاه و رضایی، ۱۳۹۴؛ حسینی و جلالی، ۱۳۹۸). کاربرد مدیر، ایجاد تقویم اجرایی هماهنگ، توجه دبیران جهت ثبت نمرات واقعی و معنادار، ایجاد بسترهای سخت افزاری و برقراری جلسات شفاف سازی با والدین است. در مقابل، کاربرد مشاور، اجرای کیفی آزمون های رغبت و استعداد، تحلیل داده ها برای دانش آموز، بازخورددهی به اولیا، و ارائه مشاوره های چندجلسه ای سازگار با کشش های بازار کار آینده است (صادقی، ۱۳۹۸). در صورت وجود گسست، هدایت تحصیلی به مناقشه ای تنش زا میان مدرسه و خانواده تبدیل می گردد.

کاربرد در پایش آسیب ها و مدیریت بحران های بلوغ:

در مواجهه با مسائلی نظیر خودآسیب رسانی، مصرف سیگار و قلیان، افت ناگهانی تحصیلی، یا اعتیاد به فضای مجازی (عظیمی و زارع، ۱۳۹۹؛ درتاج و زهرایی، ۱۳۹۴)، کاربرد مدیر، اعمال پروتکل های محرمانه ارجاع و پیشگیری از برچسب زنی اجتماعی به دانش آموز است. در این حین، کاربرد مشاور بر ارزیابی ریسک، مداخله روان شناختی فردی و تدوین پروتکل رفتاری جایگزین متمرکز است (زارعی و پورطاهری، ۱۴۰۲).

کاربرد در مهندسی «جو روانی-اجتماعی مدرسه»:

مدیری که سبک رهبری رابطه مدار و توزیع شده را اتخاذ می نماید، اتاق مشاوره را در مکانی امن و با پرستیژ سازمانی بالا تعبیه کرده و از نقض رازداری پرهیز می کند؛ این امر بستر کاربرد مشاور را در نفوذ به لایه های نادیده مشکلات دانش آموزان و ارائه مشاوره های موثر به معلمان فراهم می سازد (صالحی و همکاران، ۱۳۹۷؛ شعبانی و همکاران، ۱۴۰۲).

۶.۳. ماتریس تعارضات محتمل و راهکارهای هم افزایی

بررسی پژوهش های نیک پی و همکاران (۱۳۹۶) و کریمی و ناصری (۱۳۹۷) تبیین می کند که عمده اصطکاک ها زمانی پدید می آید که مدیر از مشاور انتظار «پلیس مخفی انضباطی» داشته باشد یا مشاور بخواهد بدون توجه به محدودیت های آیین نامه ای، رفتارهای قانون شکنانه را توجیه نماید. راهکار سنتز یافته، شکل گیری «اتحاد عمل مبتنی بر شواهد» است که در آن مدیر حامی منابع و مشاور تأمین کننده بینش تحلیلی-رفتاری تصمیم ها است.

نتیجه گیری

برآیند شواهد مروری این پژوهش اثبات می کند که در زیست بوم آموزشگاهی دوره اول متوسطه، دوگانه سنتی «مدیریت امور اداری» و «مشاوره درمانی فردی»، فاقد پاسخگویی به پیچیدگی های تحولی دانش آموزان امروزی است. نوجوانی نیازمند هم نوایی کامل تدبیر و بینش روان شناختی است؛ نقطه ای که در آن تدابیر مدیریتی به بستر امنیت روانی تبدیل شده و خدمات مشاوره ای مسیرهای یادگیری و سرنوشت تحصیلی را روشن می سازند.

تبدیل «نقش» به «کاربرد» زمانی عینیت می یابد که مدیران دوره متوسطه اول هویت خود را از «مبصر کل» به «معماران فرصت های بالندگی» ارتقا بخشند و مشاوران نیز با پرهیز از انزوای حرفه ای و کمین کردن

در اتاق مشاوره، به عنوان بازوی ارزیابی و اصلاح اکولوژی تربیتی مدرسه عمل نمایند. بدون این همگرایی، برنامه های کلان نظیر هدایت تحصیلی و پیشگیری از آسیب های اجتماعی، پوسته هایی توخالی با هزینه های بالا و خروجی های شکننده باقی خواهند ماند.

پیشنهادهات

در راستای کاربرست محور نمودن نتایج پژوهش، پیشنهادهات اجرایی زیر در چهار ساحت عملیاتی ارائه می گردد:

۸.۱. توصیه های عملیاتی به مدیران مدارس متوسطه اول

تأسیس رسمی «کمیته پایش و سلامت همه جانبه دانش آموزان»: تشکیل جلسات ثابت دوهفته یکبار مرکب از مدیر، مشاور، معاون آموزشی و نماینده دبیران به منظور بررسی پرونده تحلیلی دانش آموزان در معرض افت یا ناهنجاری خلقی.

پاسداشت قاطع اصل «رازداری مشاوره ای»: خودداری مطلق از اعمال فشار بر مشاور جهت افشای محتوای جلسات فردی دانش آموزان، مگر در مواردی که خطر آسیب جانی به خود یا دیگران در میان باشد.

تخصیص فضای فیزیکی شایسته: تجهیز اتاق مشاوره به امکانات اکوستیک نسبی و در محلی با دسترسی بدون انگ اجتماعی برای دانش آموزان (اجتناب از تعبیه اتاق مشاوره در کنار دفتر انضباطی یا معاونت اجرایی).

تسهیل مداخله های رشدی درون کلاسی: هماهنگی با دبیران جهت اختصاص ساعاتی مشخص در ماه به مشاور برای آموزش مهارت های زندگی، جرئت ورزی و مدیریت زمان در قالب ساعات درسی تفکر و سبک زندگی.

۸.۲. توصیه های عملیاتی به مشاوران مدارس متوسطه اول

خروج از موضع منفعل در فرایند هدایت تحصیلی: آغاز برنامه های هدایت شغلی-تحصیلی از بدو ورود دانش آموز به پایه هفتم (با تمرکز بر خودآگاهی، استعدادسنجی تجربی و شناخت تیپ های شخصیتی) و پرهیز از موکول نمودن آن به فشارهای ماه پایانی پایه نهم.

تغذیه تحلیلی مدیریت از طریق «داشبورد سلامت روان آموزشگاه»: ارائه گزارش های آماری و ناشناس از فراوانی اضطراب، نشاط اجتماعی و انگیزه های تحصیلی به مدیر، بدون ذکر نام افراد، تا مدیر بر اساس آن بودجه و برنامه های اردویی و تفریحی را تنظیم نماید.

توانمندسازی خانواده ها: برگزاری کارگاه های اختصاصی والدگری مدرن و شیوه های تعامل با تغییرات هورمونی و روانی بلوغ، با بهره گیری از مشروعیت اجرایی مدیر در جلب مشارکت حداکثری اولیا.

۸.۳. پیشنهادات ساختاری برای مناطق و ادارات کل آموزش و پرورش

بازنگری در فرم های ارزشیابی عملکرد مدیران: گنجاندن شاخص های مشخص نظیر «میزان تعامل با مشاور»، «کیفیت اجرای هدایت تحصیلی بر پایه رضایت والدین» و «کاهش موارد ارجاع به دادگاه یا مراکز درمانی خارج از مدرسه» در فرم سالانه مدیران.

برگزاری کارگاه های اقدام پژوهی مشترک مدیر-مشاور: تعریف دوره های آموزشی با هدف رفع سوتفاهم های مرزهای نقشی و ارتقای سواد روان شناختی مدیران و سواد سازمانی-اداری مشاوران.

منابع

- احمدی، غلامعلی، و کاظمی، مرضیه. (۱۳۹۵). بررسی نیازهای راهنمایی و مشاوره‌ای دانش‌آموزان دوره اول متوسطه و میزان تحقق آن. *فصلنامه تعلیم و تربیت*، ۳۲(۴)، ۴۵-۶۸.
- امیری، صابر، و شریفی، عنایت‌الله. (۱۳۹۶). نقش سبک‌های رهبری مدیران در عملکرد حرفه‌ای مشاوران مدارس. *فصلنامه مدیریت و رهبری آموزشی*، ۱۱(۴۴)، ۲۵-۴۰.
- باقری، خسرو، و فراهانی، مرتضی. (۱۴۰۰). تحلیلی بر روابط بین‌فردی ارکان تربیتی مدرسه و اثر آن بر نشاط اجتماعی دانش‌آموزان. *پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت*، ۱۱(۱)، ۸۹-۱۰۸.
- جمالی، علیرضا، و قاسمی، حامد. (۱۴۰۲). رهبری آموزشی مبتنی بر سند تحول بنیادین: بررسی وظایف مدیران در ارتقای ساحات زیستی و تربیتی. *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ۲۲(۸۵)، ۱۱۵-۱۳۸.
- جهان‌بخش، مریم، جعفری، پیوش، و قورچیان، نادرقلی. (۱۳۹۹). تدوین الگوی رهبری توزیع‌شده در مدارس متوسطه و پیامدهای آن بر جو مدرسه. *فصلنامه مدیریت برآموزش سازمان‌ها*، ۹(۱)، ۵۵-۷۸.
- حسینی، سیده مریم، و جلالی، داریوش. (۱۳۹۸). آسیب‌شناسی اجرای فرایند هدایت تحصیلی در دوره اول متوسطه از دیدگاه مشاوران و مدیران. *فصلنامه رویکردهای نوین آموزشی*، ۱۴(۱)، ۷۱-۹۲.
- خادمی، محسن، و دلاور، علی. (۱۴۰۱). مدل جامع خدمات مشاوره‌ای چندسطحی در نظام مدارس ایران: مطالعه ترکیبی. *فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۱۳(۵۱)، ۳۳-۶۰.
- درتاج، فریبرز، و زهرایی، شهرام. (۱۳۹۴). اثربخشی برنامه‌های توانمندسازی روانی-اجتماعی در کاهش رفتارهای پرخطر دانش‌آموزان مقطع متوسطه. *مجله روان‌شناسی مدرسه*، ۴(۳)، ۳۵-۵۴.



- زارعی، سجاد، و پورطاهری، افسانه. (۱۴۰۲). مدیریت بحران های رفتاری و سلامت روان دانش آموزان در بستر همکاری ارکان مدرسه. پژوهش در نظام های آموزشی، ۱۷(۶۲)، ۹۷-۱۱۲.
- سبحانی نژاد، مهدی، و یوزباشی، علیرضا. (۱۳۹۳). شایستگی های حرفه ای مدیران آموزشی در تعامل با کادر تخصصی مدارس. فصلنامه اندیشه های تازه در علوم تربیتی، ۹(۳)، ۸۳-۹۸.
- شعبانی، راضیه، نادری، فرح، و حسینی، علیرضا. (۱۴۰۲). مقایسه اثربخشی مداخلات مدرسه محور مشترک مدیر-مشاور بر اشتیاق تحصیلی و تاب آوری نوجوانان. مطالعات روان شناسی تربیتی، ۲۰(۵۱)، ۱۴۳-۱۶۸.
- صادقی، رسول. (۱۳۹۸). فراتحلیل چالش های پیش روی فرایند هدایت تحصیلی در مدارس ایران. فصلنامه پژوهش های کاربردی روان شناختی، ۱۰(۲)، ۱۵۳-۱۶۹.
- صالحی، مسلم، بهرامی، مسعود، و ابراهیمی، پروین. (۱۳۹۷). رابطه بین سلامت سازمانی مدرسه و کارایی کارکرد مشاوران در مقطع متوسطه. فصلنامه رهیافتی در مدیریت آموزشی، ۹(۳۵)، ۲۰۱-۲۱۸.
- عظیمی، هادی، و زارع، حمید. (۱۳۹۹). بررسی وضعیت شیوع آسیب های نوپدید روانی-اجتماعی در بین دانش آموزان دوره اول متوسطه. مجله مطالعات علوم اجتماعی ایران، ۱۷(۶۴)، ۸۱-۹۸.
- فتحی واجارگاه، کوروش، و رضایی، پروانه. (۱۳۹۴). آسیب شناسی هدایت تحصیلی و نقش چندگانه کادر مدرسه در فرایند اجرای آن. مطالعات برنامه ریزی درسی و آموزشی، ۵(۲)، ۹-۲۸.
- کریمی، فریبا، و ناصری، صدیقه. (۱۳۹۷). تبیین تعارض نقش و ابهام نقش در میان مشاوران مدارس متوسطه و راهکارهای تعدیل آن توسط مدیران. فصلنامه مشاور مدرسه، ۱۳(۳)، ۳۴-۴۷.
- موسوی، سیده معصومه، حسن آبادی، حمیدرضا، و کاظمی، فرهاد. (۱۳۹۹). نقش هماهنگی خانواده، مدیر و مشاور در بهزیستی تحصیلی نوجوانان دوره اول متوسطه. فصلنامه مشاوره کاربردی، ۱۰(۲)، ۱-۲۲.



ناوه ابراهیم، عبدالرحیم، و فدوی، لیلا. (۱۳۹۱). تعاملات بین حرفه‌ای کارکنان مدرسه و تأثیر آن بر بهداشت روانی محیط یادگیری. فصلنامه مدیریت بر آموزش سازمان‌ها، ۱(۲)، ۱۱-۳۰.

نیک‌پی، ایرج، فرحبخش، سعید، و مبینی، هادی. (۱۳۹۶). مطالعه کیفی موانع و چالش‌های تعامل سازنده بین مدیران و مشاوران مدارس. فصلنامه راهبردهای آموزش در علوم پزشکی، ۱۰(۵)، ۳۴۱-۳۵۰.

یارمحمدیان، احمد، و قنبری، سارا. (۱۳۹۵). بررسی رابطه جو روانی-اجتماعی کلاس درس و کارآمدی مشاوره‌ای بر کاهش اضطراب و رفتارهای نابهنجار نوجوانان. فصلنامه نوآوری‌های تربیتی، ۱۵(۵۷)، ۷۷-۹۶.

